



اسلام در سوئد؛ موضوعی اجتماعی، سیاسی یا امنیتی؟



دکتر رضا رحمتی *

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

با ورود گروه‌های بزرگ‌تر مسلمان‌ها به سوئد در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، به تدریج جامعه و سیاست‌گذاری سوئدی با مسئله جدیدی مواجه شد و آن «مسئله اسلام» بوده است. با این حال، این مسئله در دهه‌های نخست و تا دهه ۲۰۰۰، مسئله‌ای اجتماعی و مربوط به فضای عادی زیست شهروند سوئدی بود. از سال‌های ابتدایی هزاره جدید، اسلام در سوئد، موضوعی سیاسی و به تدریج «مسئله-ای امنیتی» شده است. سوالی که مطرح است این است که چرا اسلام در سوئد از پدیده اجتماعی تبدیل به «مسئله‌ای سیاسی و امنیتی» شده است؟ در پاسخ به این سوال به دلایلی از جهش جمعیتی مسلمان‌ها در سوئد، چسبندگی‌های ایدئولوژیک، افزایش محبوبیت گرایش‌های پوپولیستی و امواج راست‌گرایی، قطبش در جامعه سوئدی، تغییرات در «اسلام» و تأثیر بر جامعه سوئدی، تأثیرات فضای بین‌المللی (چه تأثیرات دولت‌های و چه تأثیرات گروه‌های اسلامی)، تضادهای آشکار و چشم-اندازهای ناشناخته، افزایش گرایش‌های ضداسلامی در فضای اجتماعی و تبلیغات رسانه‌ای به عنوان دلایل امنیتی‌شدن اسلام اشاره خواهد شد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌گان

سوئد، اسلام، امنیتی‌سازی، راست افراطی، مهاجرت.

مقدمه

در یک قرن گذشته، شمار مسلمان‌ها در سوئد چندان چشمگیر نبوده است و در نخستین سرشماری‌هایی که اینک در دسترس است رقم‌های بسیار اندکی به ثبت رسیده است. سوئد را

* نویسنده مسئول؛ استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. / ایمیل:

r.rahmati@basu.ac.ir

به‌عنوان کشوری مسیحی پروتستان می‌شناخته‌اند و کلیساهای معروف و دیرپایی شبیه به کلیسای اوپسالا همواره وضعیت مذهبی یک‌دست این کشور را نمایندگی می‌کردند. با این حال متعاقب انقلاب سوم صنعتی و نیاز به کارگران خارجی، ورود مسلمان‌ها از کشورهای کمتر توسعه یافته را به این کشور هموار کرده است. با ورود گروه‌های بزرگ‌تر مسلمان‌ها به سوئد در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، به تدریج جامعه و سیاست‌گذاری سوئدی با مسئله جدیدی مواجه شد و آن تبدیل شدن اسلام از یک مذهب و سبک زندگی به یک «مسئله» بوده است. با این حال، ورود مسلمان‌ها-کارگران به دلایل متعدد، سبب ایجاد نابسامانی اجتماعی نبوده است و تنها در دهه ۱۹۹۰ از موضوعی عادی و مربوط به زندگی روزمره افراد مسلمان، خارج شده و به یک موضوع اجتماعی تبدیل شد. به تدریج در دهه‌های نخست و تا دهه ۲۰۰۰، مسئله‌ای اجتماعی و مربوط به فضای عادی زیست شهروند سوئدی بود. از سال‌های ابتدایی هزاره جدید، اسلام در سوئد، موضوعی سیاسی و به تدریج «مسئله-ای امنیتی» شده است. سوالی که مطرح است این است که چرا اسلام در سوئد از پدیده اجتماعی تبدیل به «مسئله‌ای سیاسی و امنیتی» شده است؟ در پاسخ به این سوال به دلایلی از جمله چسبندگی-های ایدئولوژیک، امواج راست‌گرایی، قطبش در جامعه سوئدی، تأثیرات فضای بین‌المللی (چه تأثیرات دولت‌های و چه تأثیرات گروه‌های اسلامی) و ... به‌عنوان دلایل امنیتی شدن اسلام اشاره خواهد شد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای است. هدف این مقاله ارائه تصویری از وضعیت مسلمانان در سوئد و چرایی و چگونگی تغییرات استراتژیک و کلان جامعه و سیاست سوئدی نسبت به مسلمانان است.

۱- پیشینه تحقیق

مقاله «گسترش اسلام کشورهای نوردیک: سوئد» به بررسی جریان مهاجرت مسلمانان به اروپای شمالی در ربع پایانی قرن بیستم و ربع اول قرن بیست و یکم می‌پردازد و یک الگوی ژئوپلیتیک را در این منطقه ترسیم می‌کند. نویسندگان با ترسیم نقشه ژئومورفولوژی و دموگرافی سوئد، بر آن هستند که اگر وضعیت پذیرش مسلمانان در سوئد ادامه پیدا کند، احتمالاً تا سال ۲۰۲۵-۲۰۲۷، از هر پنج سوئدی، یک نفر مسلمان خواهد بود (K Yu Eidemiller et al, 2018: 1-12). ویژگی برجسته اثر ایدمیلر بیان وضعیت مسلمانان آماری و ترکیب مهاجرتی مسلمانان در سوئد است که با استفاده از گراف‌ها و جداول به تصویر کشیده شده است، با این حال این اثر به سبب آماری و ریاضی‌گونی، از فقر تحلیل کیفی و جهت‌دهی وضعیت رفتار سیاسی جامعه-سیاست در سوئد با مسلمانان رنج می‌برد. کتاب «سلفی‌گری پیوریتن معاصر: مطالعه موردی سوئد» در تفسیری خاص به مسائل مربوط به اقتدار و اصالت مربوط به تفاسیر معاصر از اسلام در یک محیط اقلیت می‌پردازد. در این اثر سلفی‌گری یک پدیده چند وجهی و جهانی معاصر برشمرده شده که بیانگر یک موضع

تفسیری بنیادگرایانه است که به نظر می‌رسد در میان مسلمانان اقلیت رو به رشد است. این کتاب به مطالعه یک گروه سلفی در سوئد می‌پردازد که به معنای پرهیز از مشارکت سیاسی و نفی جهادگرایی است. آنها تلاش می‌کنند تا از زندگی نسل اول مسلمانان و پیامبر اسلام در محیط اقلیت خود تقلید کنند. این گروه جداسازی یا حتی مهاجرت را به عنوان راهبردی توصیه می‌کند تا مردم را قادر سازد تا زندگی صحیح مسلمانان را برای آمادگی برای آخرت داشته باشند (Olsson, 2018: 1-۲۰۰). اگرچه اولسن به دقت وضعیت سلفی‌ها در سوئد را به تصویر می‌کشد، با این حال، سلفی‌ها تنها یک گروه از چندین گروه فعال در جامعه مسلمانان سوئدی هستند، بسیاری از گروه‌های اسلامی ثبت شده و به رسمیت شناخته شده وجود دارند و علاوه بر این گروه‌های نامرئی مسلمانان در سوئد وجود دارند که تأثیرگذاری اجتماعی بیشتری داشته‌اند. اثر «نژادپرستی ضد مسلمان در محکمه» به برخورد انتقادی در استفاده از امکانات و محدودیت‌هایی که مسلمانان با آن مواجه هستند می‌پردازد. با تجزیه و تحلیل عمیق موارد خشونت ضد مسلمانان در سوئد - آتش سوزی در مسجد، سخنان نفرت پراکنی و یک سری حملات - به فهم روش‌های برخورد با نژادپرستی اشاره می‌کند. این کتاب از درون بافت پسا هوولوکاست و پسااستعماری، تاریخ پیچیده و مبهم قوانین علیه نژادپرستی را بازگو می‌کند و راه‌هایی را بررسی می‌کند که در آن شیوه‌های نژادپرستانه در جامعه‌ای تغییر می‌کنند که در آن جلوه‌های خاصی از نژادپرستی به عنوان جنایت تلقی می‌شوند (Kolankiewicz, 2020: 1-172). در حالی که این اثر یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف پژوهشی در خصوص مسلمانان یعنی دادرسی و دادگاه و قوانین را مورد توجه قرار می‌دهد، با این حال نگاهی یک‌بعدی به مسلمانان و از دریچه قوانین دارد. نویسنده این متن تلاش می‌کند تا در نظر گرفتن نقاط قوت و توجه به نقاط ضعف، نحوه گذار از مسلمانان آماری به تغییرات جدید مواجهه رژیم‌های قضایی، سیاسی، اجتماعی سوئدی را با مسلمانان مورد بررسی قرار دهد.

۲- چارچوب نظری؛ امنیتی‌سازی

در مباحث سیاسی و حتی در محافل علمی، مفهوم «امنیتی‌سازی اسلام» اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است، اما تلاش بسیار اندکی برای بررسی دلایل امنیتی‌سازی موضوعات اسلام و پیامدهای آن که توسط نظام‌های سکولار انجام می‌شود صورت گرفته است. وضعیت «امنیتی‌سازی» وضعیتی «بین‌عادی‌سازی و استثناگرایی» است. امنیتی‌سازی بر هر دو منطق عادی‌سازی سیاسی و استثناگرایی استوار است و در واقع رسوبات گفتمانی آن دو را در خود دارد (Mavelli, 2012: 159). امنیتی‌سازی، ادبیاتی را نمایندگی می‌کند که یک موضوع را تبدیل به یک مسئله امنیتی می‌کند. با توجه به این ادبیات موضوع از حوزه سیاست عادی خارج شده و با بازنمایی آن به عنوان تهدید

¹. Securitization

وجودی، به قلمرو سیاست اضطراری وارد می‌شود. ادبیات مربوط به امنیتی‌سازی، ریشه در نوشته‌های مکتب کپنهاگ داشته است. مکتب کپنهاگ تحت تأثیر مکاتب کلاسیک نسبت به امنیت، مفهوم بنیادی را «بقا» تعریف می‌کند و آن را کلید اساسی درک مسائل امنیتی می‌داند. در این چارچوب، امنیت به بقا باز می‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی برای یک موجود (که سنتا، نه لزوماً، دولت متشکل از حکومت، سرزمین و جامعه است) جلوه می‌کند. سرشت خاص تهدیدات امنیتی، توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آن‌ها موجه می‌سازد. استناد به امنیت، کلید مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور است. ولی به‌طور کلی‌تر راه را باز می‌کند تا دولت برای برخورد با تهدیدات وجودی اعلام بسیج کند یا اختیارات ویژه‌ای بطلبد. از دیرباز نمایندگان دولت با به زبان راندن واژه «امنیت» شرایط اضطراری اعلام کرده و مدعی حق استفاده از تمام وسایل لازم برای جلوگیری از بروز تحولی تهدیدکننده شده‌اند (Buzan, 2012: 45-46). در این ادبیات تهدید، عبارت است از هر عاملی که موجودیت و بقای یک بازیگر را به خطر اندازد و بر این اساس، عوامل متعددی می‌توانند موجودیت یک بازیگر را تهدید کنند؛ مباحث مربوط به امنیت هستی‌شناسی در ادبیات سازه‌نگاری کمک شایان توجهی به درک تهدیدات وجودی و هستی‌شناسی یک بازیگر می‌کند.

برخی از مهم‌ترین آموزه‌های مکتب کپنهاک که بر اساس آن می‌توان تحلیل‌های امنیتی جاری را بررسی کرد، عبارتند از اینکه: ۱. هر مسئله عمومی را می‌توان روی طیفی جا داد که این طیف از امور غیرسیاسی (مسائلی که دولت با آن کاری ندارد و از هیچ راه دیگری هم، موضوع بحث و تصمیم‌گیری همگانی قرار نمی‌گیرد) تا امور سیاسی (مسائلی که بخشی از سیاست‌گذاری همگانی است و مستلزم تصمیم‌گیری و تخصیص منابع از سوی دولت یا به شکلی نادرتر نیازمند گونه دیگری از نظارت و تدبیر جمعی است) و امور امنیتی (که همچون تهدیدی وجودی جلوه می‌کند که نیازمند آغاز تمهیدات اضطراری است و انجام اقداماتی در بیرون از مرزهای عادی رویه سیاسی را موجه می‌سازد) گسترده شده است. ۲. هر موضوعی می‌تواند روی هر بخشی از طیف موضوعات قرار گیرد؛ به همین دلیل این طیف سخت، غیرقابل تغییر و منجمد نیست و بنابراین قابلیت و سیالیت کافی در آن وجود دارد و «شناور» است؛ بدین معنا که یک موضوع قابلیت جابه‌جایی از حوزه‌ای به حوزه دیگر را دارد. ۳. موضوعات بسته به میزان تهدیدی که ایجاد می‌کنند، برای حوزه سیاست-گذاری و کنش سیاسی حائز اهمیت هستند؛ به بیان بهتر این تهدیدات هستند که حوزه‌ها را مشخص می‌کنند. ۴. طیف موضوعات، از موضوعات عادی شروع می‌شوند و تا موضوعات اجتماعی، سیاسی و امنیتی را در بر می‌گیرند. ۵. موضوعات می‌توانند در یک برهه‌ای عادی و اجتماعی و در دوره‌ای دیگر سیاسی و امنیتی؛ بنابراین تعصبی بر بقای موضوعات در یک وضعیت خاص وجود ندارد و

¹. Survival

موضوعات به صورت بسترمند متنوع خواهند بود. ۶. در امنیتی سازی سه بازیگر دخالت دارند: بازیگر امنیتی کننده اکسی یا گروهی است که با اعلام در معرض تهدید بودن موجودیت هدفی مرجع، مسائل را امنیتی می کند؛ بازیگر صاحب نقش (کارکردی)، بازیگری است که گرچه نقش مستقیمی در امنیتی کردن مسائل ندارد، به نحوی تأثیر چشم گیری بر تصمیمات متخذه در حوزه امنیت می گذارد و از این رو روند امنیتی سازی مسئله را تسریع می کند یا آن را با تأخیر مواجه می سازد (Buzan, 2007: 67).

در نهایت بازیگر یا مخاطب نقش محوری در امنیتی سازی دارند؛ آنهایی که باید متقاعد شوند تا حرکت امنیتی ساز موفق گردد. گرچه اغلب، مخاطب معادل با شهروندان و توده مردم فرض می شود، ویور معتقد است که می تواند بر اساس نظام سیاسی و ماهیت مسئله امنیتی شده متفاوت باشد (Weaver, 2003: 11-12). ۷. امنیتی سازی معمولاً با اعمال استثنایی سیاسی همچون افزایش حضور نظامی یا کنترل های پلیسی اشاره دارد که توسط دولت ها، با نقض حاکمیت قانون به عنوان راهی برای حفظ امنیت شهروندان در برابر حملات یا تخریب صورت می گیرد (Cesari, 2013: 8). فراتر از قابل مشاهده بودن اقدامات استثنایی، امنیتی سازی بر روال اداری و قوانین منظم تأثیر می گذارد و بنابراین بر مجموعه ای از رفتارهایی که تا پیش از این عادی بودند، از جمله اعمال آزادی مذهبی تأثیر منفی می گذارد (Cesari, 2013).

۳- مسلمان های سوئد

آکه ساندر در چند دهه اخیر شمار مسلمان ها سوئد را در چندین نشریه تخمین زده است. در آخرین کتاب خود در مورد مسلمان ها وی و نویسنده همکارش مروری بر توسعه جمعیت شناختی ارائه کرده اند. (Larsson and Sanders, 2007). اکثریت مسلمان ها سوئد، در بوسنی، ترکیه، آلبانی، لبنان، عراق، ایران، افغانستان و سومالی متولد شده اند. در حالی که قومیت آن ها لزوماً منعکس کننده تابعیت آن ها نیست، آن ها احتمالاً مثلاً کُرد، فلسطینی یا کوزوویی و آلبانیایی هستند (Cesari, 2014: 397).

۴- اسلام؛ از پدیده ای عادی تا موضوعی امنیتی

روند پژوهی رفتار با مسلمان ها در سوئد، نشان دهنده سیر و گذار در یک مسیر است؛ مسیری که از موضوعی عادی و روزمره شروع شده (با ورود کارگران مسلمان به سوئد از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)، تبدیل به مسئله ای اجتماعی شده (از دهه ۱۹۹۰ تا دهه ۲۰۰۰ میلادی)، سپس به مسئله ای سیاسی

1. Securitized Actor

2. Functional Actor

3. Audience

گذار یافته (از ابتدای دهه ۲۰۰۰) و در نهایت در وضعیتی امنیتی (از دهه ۲۰۱۰ به بعد) قرار گرفته است.

۴-۱- اسلام؛ پدیده‌ای اجتماعی

دوره اسلام اجتماعی به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در آن اسلام و تابعان آن یعنی مسلمان‌ها، بخشی از زندگی روزمره و عادی به شمار می‌رفته است، در این دوره یا حساسیتی نبوده یا سطح حساسیت نسبت به اعمال یک مسلمان یا اسلام اندک بوده است. با این حال این دوره خود به دو دوره تقسیم می‌شود؛ نخست، دوره نیازمندی-بی تفاوتی جامعه سوئدی و دوم دوره اجتماعی‌سازی-چندفرهنگی‌گرایی.

۴-۱-۱- دوره اجتماعی بی تفاوتی-نیازمندی جامعه سوئدی: تضمین قوانین همبستگی

در دوره سال‌های ۱۹۵۰ تا پایان قرن بیستم، اسلام در سوئد به واسطه نیازهای جامعه سوئدی به افراد نووارد از جمله کارگران، یک پدیده اجتماعی بوده است، بدین معنی که امری در دامنه اجتماعی قلمداد شده است. برای مثال از سال ۱۹۵۱، آزادی مذهب در قانون اساسی تضمین شده بود، و اجتماع مسلمان قادر بود تا رفاه، مذهب و فعالیت‌های فرهنگی متنوعی را ذیل قوانین همبستگی انجام دهد. مجموعه‌ای حمایتی تحت عنوان مزایای سازمانی، مزایای کاری و مزایای پروژه‌ای در سوئد برای مسلمان‌ها و گروه‌های اسلامی وجود داشت (Tomson, 2020). به‌منظور دریافت این حمایت، گروه‌های مذهبی بایستی اصول دموکراسی و برابری و «ارزش‌های سوئدی» را تضمین کرده و مورد ملاحظه قرار دهند. در سال ۱۹۶۳، حکومت سوئد تصمیم گرفت تا به هر کس که در سوئد برای بیش از پنج سال زندگی کرده است، فرصت برای اقدام به‌منظور دریافت شهروندی اعطا کند و در سال ۱۹۷۶، حق رای و قرار گرفتن در انتخابات محلی به هر کسی که برای سه سال در سوئد زندگی کرده بود، تسری یافت. نگاهی به آمارهای مربوط به مسلمان‌ها در این دوره، نشان‌دهنده این است که، از سال ۱۹۱۷ تا سال ۱۹۹۸، یعنی تقریباً ۸۰ سال، اکثریت مسلمان‌ها نوردیک را تاتارها و گروه‌های قومی ترک‌زبان و مسلمان‌های با ریشه‌های اصلی مهاجران جوان کارگر تشکیل می‌دادند (Westin, 2003: 978-1010).

۴-۱-۲- دوره اجتماعی‌سازی-چندفرهنگی‌گرایی

در این دوره، تلاش‌های چندفرهنگی‌گرایی از برجستگی برخوردار می‌شود. در سال ۱۹۹۰ مسئله ملیت دوگانه مورد بحث قرار گرفت و در سال ۲۰۰۰ قانون شهروندی مجوز ملیت دوگانه را اعطا کرد. با وجود این که جوامع مسلمان در سوئد بر اساس خطوط سیاسی، اقتصادی و مذهبی تقسیم شده‌اند، از اوایل دهه ۱۹۷۰، شماری ابتکار در جهت تشکیل سازمان‌های حمایتی اسلامی و مسلمان انجام شده است.

¹. Umbrella Organisation

نمود بارز اجتماعی سازی یا چندفرهنگ گرایی را می توان در عرصه آموزشی پی جویی کرد، برای مثال دولت سوئد از حمایت و یارانه های اقتصادی به منظور استقرار مدارس مستقل خصوصا بعد از اصلاحات مدرسه سال ۱۹۹۲ حمایت کرده است و این در راستای سیاست اجتماعی سازی اسلام و مسلمان ها بوده است. همچنین قواعد ملی با توجه به مولفه ها و ویژگی های مذهبی و فرهنگی که منافاتی با ارزش های جامعه سوئدی ندارد به منظور انجام بهتر عملکرد این مدارس صورت گرفته است (Daun, 2004: 191).

در عین حال اجتماعی سازی که مهم ترین شاخص آن آموزش و یادگیری در فرآیند رسیدن به ادغام و همگرایی اجتماعی است، بدین معنا نیست که آزادی مذهبی به هواداران کیش های مذهبی این امکان را بدهد که مذهب خود را به «طریقی غیرمتوازن و غیرآموزه ای» عرضه کنند و بایستی آموزش های مذهبی خود را بر مبنای قواعد ملی، پیگیری کنند. این بدان معنا است که آن ها مجبور هستند در خصوص مذاهب دیگر، جهان بینی های دیگر و خروجی های اخلاقی آموزش ببینند و بدان معنا است که آموزش مذهبی نمی تواند به اسلام یا آموزه های اسلامی یا مسلمانی محدود شود. بر همین اساس تا سال ۲۰۰۹، شمار مدارس مستقل آئینی تا ۶۶ مورد برآورد شده است که ۹ مورد آن اسلامی یا عرب بودند و از مزایای دولتی برخوردار شدند. هنگامی که یک مدرسه مذهبی مستقل به وسیله دولت ثبت شود، آن مدرسه ۸۵٪ از حمایت اعطا شده به مدارس عمومی را دریافت می کند (Daun, 2004: 191). سوئد به عنوان یکی از سکولارترین و یکی از چندمذهبی ترین کشورهای اروپا شناخته می شود و مسلمانان ۸٪ از جمعیت را تشکیل می دهند (Berglund, 2021). شاخص دیگری که می توان برای اجتماعی سازی مورد بررسی قرار داد، حجاب بوده است. در این دوره تاریخی هیچ قانونی برای محدود کردن لباس مسلمان ها وجود ندارد و این برای اجتماعات مسلمان ها، موضوعی مهم در جهت اجتماعی شدن بوده است.

با این حال دوره اجتماعی-چندفرهنگ گرایی، دوره ماندگاری در مواجهه با مسلمان ها نبوده است، به نحوی که برخی از متفکران از «پایان عمر چندفرهنگ گرایی» سخن به میان آورده اند. در سال ۲۰۱۴، اثر معتبر مدیر موسسه علمی حقوق و دیپلماسی موسسه تغییر فرهنگی در دانشگاه تافتس، پرفسور ال. هریسون، تحت عنوان «یهودیان، کنفوسیوس ها و پروتستان ها: سرمایه فرهنگی و پایان چندفرهنگ گرایی» منتشر شد. ایده اصلی آن این بود که پایان دوره چندفرهنگی یک واقعیت انجام شده است و دوران نژادپرستی فرهنگی در راه است یا فرا رسیده است. با توجه به مطالب فوق، می توان بیان کرد که نظریه و عمل در اجرای سیاست چندفرهنگی اروپا اگر نگوئیم شکست خورده، در یک بحران عمیقی به سر می برد. در جامعه اروپا چند سال قبل از بحران مهاجرت اروپا، تعبیر «عروس مرده چندفرهنگ گرایی» ظاهر شده بود، این به آن معنا بود که یک سری از

¹. Unbalanced or Indoctrinating Way

دختران اروپایی که جمعیتی را نمایندگی می‌کردند که توسط مهاجران عمدتاً از جهان اسلام مورد تجاوز و قتل بی‌رحمانه قرار می‌گیرند. در مقابل توجه به این واقعیت ضروری است که آزادی برای دختران مهاجر مسلمان در جوامع اروپایی نیز اغلب یک مفهوم نسبی و اغلب دست‌نیافتنی شد؛ به گونه‌ای که انحراف آن‌ها از سنت، اصول و رویه‌های پذیرفته شده در خانواده و جامعه بسته خانگی اغلب مجازات اعدام دارد که به آن «قتل ناموسی» می‌گویند. بنابراین ایده و مفهوم چندفرهنگ-گرایی، بی‌تشابه به همان «عروس مرده» نبوده و از آن تنها پوسته‌ای زیبا بر جای مانده است. البته برای دلایل دیگر کاهش تمایلات چندفرهنگی، به موضوعات دیگری نیز اشاره شده است که نیاز به تحقیق مجزا دارد.

۴-۲- اسلام؛ پدیده‌ای سیاسی

دوره دوم، اسلام به مثابه پدیده‌ای سیاسی است، در این دوره، اسلام و متعلقات وابسته به اسلام، پدیده‌ای سیاسی محسوب می‌شود، بدین معنا که وارد سازوکارهای زندگی سیاسی می‌شود. این سیاسی شدن اسلام، هم در قسمت اسلام‌گرایان پیگیری می‌شود و هم در سطح نظام سیاسی و اداری. در این دوره در قسمت اسلام و مسلمان‌ها سوئدی، مقوله‌ای به نام اسلام‌گرایی برجسته می‌شود، بدین معنا که اسلام ایدئولوژی را نمایندگی می‌کند که این ایدئولوژی چتر حمایتی برای همه مناسبات زندگی مدنی انسان مسلمان سوئدی فراهم می‌کند و بنابراین وضعیت «انسانی با تعلقات حکمرانی» را صورت می‌دهد.

به سبب رونق اسلام‌گرایی از سال‌های ابتدائی هزاره جدید، حساسیت‌های سیاسی نسبت به اسلام نیز فزونی یافته است. در این خصوص، به صورت ویژه می‌توان به برخی گفت‌وگوها در خصوص پوشش حجاب زنان در بخش مراقبت سلامت، در مدارس، در پلیس و ... اشاره کرد. با این حال این افزایش حساسیت‌های سیاسی، در سه فاز رسانه‌ای شدن، عمومی شدن و سیاسی شدن دنبال شده است.

رسانه‌ای شدن: از پایان دهه ۱۹۹۰ اسلام، مسلمان‌ها و خاورمیانه عموماً با نگرش‌های منفی و کلیشه‌ای گزارش‌دهی رسانه‌ای همراه بوده است. تحقیق تازه‌ای در خصوص اینکه چطور اسلام و مسلمان‌ها در رسانه به تصویر کشیده میشوند وجود ندارد، با این حال عموماً این باور دست کم در میان مسلمان‌ها وجود دارد که رسانه‌های سوئدی یک مبنای منفی نسبت به آن‌ها دارند (Larson, 2010)

عمومی شدن: اصطلاح مسلمان زمانی است که ما با فضاهای عمومی سروکار داریم. از جمله نخستین مناظرات در حوزه عمومی و حوزه اجتماعی سوئدی پیرامون مسئله حجاب در همان سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم زمانی بود که در سال ۲۰۰۶ اداره ملی مدرسه به منظور محافظت

¹. Murder for [the sake of] honor

². National School Authority

از یک دانش آموز دست به مداخله زد تا مانع از عدم تحصیل وی در یک مدرسه در اوئنا به سبب اینکه حجاب پوشیده بود شود. در پی آن بود که بحث‌های ملی پیرامون مسئله نقاب نیز در سال ۲۰۰۹ در فضای عمومی و رسانه‌ای مورد بحث قرار گرفت و برخی سیاستمداران استدلال می‌کردند که نقاب بایستی منع شود، با این حال هیچ قانونی مورد تصویب قرار نگرفته است (Daneilsson, 2009). دامنه سیاسی‌سازی اسلام، بر مسائل سلامت، همگرایی و مناسک نیز گسترده شده است که نشانه‌هایی از سرایت به موضوعات حساسیت‌زا بوده است. در این گفت‌وگوها نیروهای اسلامی همواره این تسری دامنه‌ها را با اتهاماتی شبیه به اسلاموفوبیا و زونوفوبیا درک کرده‌اند.

سیاسی‌شدن: در چارچوب این رسانه‌ای شدن و عمومی شدن، و در سطحی حساسیت‌زاتر، سیاسی شدن اسلام اتفاق افتاده است. اگرچه اسلام‌گرایی در قوانین با ممنوعیت‌هایی مواجه نشده است، با این حال نتیجه این گفت‌وگوهای سیاسی در موضوعاتی شبیه به استخدام، اشتغال، بیمارستان‌ها و ... مشهود بوده است، به گونه‌ای که آمارهای منتشر شده به وسیله هیات همگرایی آذر سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که زنان با حجابی که در سال‌های ابتدایی هزاره جدید در مقایسه با افرادی با توانمندی مشابه در جست‌وجوی شغل بوده‌اند، در یافتن مشاغل با مشکلات بیشتری مواجه بودند. اضافه بر این در مشاغل و محل کار، اغلب با دیدگاهی منفی با مسلمانان برخورد شده است (Larson, 2010).

۳-۴- دوره امنیتی‌سازی اسلام در سوئد؛ تشدید نظارت اجتماعی و تلاش برای دستکاری سیاسی

هدف مطالعات امنیتی‌سازی فهم جامع از عوامل و متغیرهای دخیل در امنیتی‌سازی پدیده‌ها و موضوعات است. مهاجرت مسلمانان به اروپا در پی چندین رویداد دستخوش تغییراتی شده است؛ جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۰)، جنگ بوسنی (۱۹۹۲)، ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱)، جنگ افغانستان (۱۹۹۰)، جنگ دوم خلیج فارس (۲۰۰۳)، قتل تئو ون گوگ (۲۰۰۴)، بحران کارتن در دانمارک (۲۰۰۶)، حمله داعش به سوریه و عراق (۲۰۱۰)، و بازگشت طالبان به قدرت (۲۰۲۱). هر یک از این رویدادها سبب تشدید اسلام‌هراسی شده است. پیامدهای حوادث فوق و تأثیرات چندین عامل دیگر همچون بیکاری، فقر، محرومیت، خشونت و... برتری فرهنگ‌گرایی و اقتصاد سیاسی نئولیبرال، بر زندگی مهاجران مسلمان ساکن اروپای غربی موضوعاتی بوده است که در پرتو این تحولات اتفاق افتاده است (Kaya, 2009: 79). همه این اتفاقات سبب شده تا لحن نژادپرستانه‌ای برای توصیف مهاجران، به‌ویژه مهاجران مسلمان استفاده شود، و یک حوزه نویسی^۳ در اروپا نیز

¹. Umea

². Board of Integration

³. Neo Political

در حال بررسی دقیق و ایمن‌سازی مرزهای اروپا است تا از هجوم مهاجران به سمت آن‌چه کایا آن را «اروپای قلعه» نامیده است، جلوگیری کند.

۴-۳-۱- اسلام به مثابه «دیگری»

اسلام هر چند پس از ۱۱ سپتامبر به‌عنوان متغیر کلیدی در ترسیم و جهت‌دهی به سیاست خارجی آمریکا نقش ایفا نموده و به بهانه مبارزه با تروریسم توسط دولت‌های مستقر در آمریکا امنیتی‌سازی شده است، با این حال برای یافتن ریشه‌های آن می‌بایست زمان‌های قبل‌تر از آن بررسی شود. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی عامل مهمی که از آن تعبیر به «دیگری» می‌شود از میان برداشته شد و آمریکا به‌دنبال غیرت‌سازی از سایر پدیده‌ها برای پیشبرد اهداف خود در نظام بین‌الملل بود. زمانی در تغییرات اقلیمی آب و هوایی و زمانی نیز در بیماری‌هایی چون ایدز. البته در همان دهه نیز اسلام به‌عنوان عاملی که می‌توانست جایگزینی برای شوروی باشد مطرح بود، اما ملزومات آن فراهم نبود. حادثه ۱۱ سپتامبر بهترین فرصت را در اختیار سیاستمداران آمریکایی قرار داد تا به بهترین نحو ممکن افکار عمومی جامعه آمریکا و دنیا را با خود همراه نموده و اسلام را امنیتی کند (Shipouli, 2020: 9). در حقیقت سیاست‌گذاری آمریکایی برای امنیتی‌سازی اسلام، در کشورهای اروپایی نیز دنبال شد، تا جایی که اسلام تبدیل به موضوعی امنیتی برای آن‌ها شد. وضع قوانین امنیتی و ضد‌تروریسم، اعمال محدودیت‌های بیشتر و به‌طور کلی خارج شدن از «گفتمان اجتماعی‌سازی» عموماً در پاسخ به افزایش تهدیدهای اسلام‌گرایی افراطی و رشد تروریسم فراملی اسلامی صورت می‌گیرد. هنگامی که مسلمان‌ها وابستگی مذهبی خود را از طریق لباس پوشیدن و شرکت در فعالیت‌های مذهبی عمومی ابراز می‌کنند، از نظر سیاسی مشکوک می‌شوند. در واقع، آن‌ها نه به‌عنوان مومن، بلکه به‌عنوان مروج یک ایدئولوژی جهانی که از اروپا تا عراق به‌عنوان تهدیدی برای کشورهای اروپایی هستند، تلقی می‌شوند. در نتیجه، نگرانی‌های امنیتی مرز بین سیاست‌های بین‌المللی و داخلی را محو می‌کند، زیرا سیاست‌گذاری منظم - از آموزش گرفته تا یکپارچگی اقتصادی - به‌طور فزاینده‌ای از درپچه جنگ علیه تروریسم تفسیر می‌شود. بنابراین، ممنوعیت برقع بخشی از تغییر سیاست‌های ناشی از نگرانی‌های امنیتی است (Cesari, 2013).

۴-۳-۲- نمودهای یک‌دست‌سازی

دوره امنیتی‌سازی اسلام را می‌توان دوره مربوط به سال‌های ۲۰۱۰ به بعد محسوب کرد. در واقع با تشدید فرآیند اسلام‌گرایی در جامعه سوئدی و کنترل اجتماعی فرآیندهای اسلامی، فعالیت‌های اسلامی، مراسم عبادی و تعلیم‌گرایی اسلامی، در مقابل نظارت اجتماعی نظام سیاسی برای کنترل اجتماعی و بر اساس استراتژی کلی یک‌دست‌سازی اجتماعی تشدید شده است. موضوعی که نتیجه

¹. Fortress Europe

². Other

مستقیم آن را می‌توان در دستکاری تعلقات سیاسی اجتماعات اسلامی مشاهده کرد. از جمله نمودهای این دستکاری می‌توان به محدود سازی دامنه اجتماعات مذهبی دریافت‌کننده خدمات اجتماعی، کنترل ساخت مساجد، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های امام‌های مساجد، تلاش برای ادغام اجباری اجتماعی و ضرورت گذراندن آزمون‌های فشرده شهروندی و تعهدات به قانون اساسی و اصول دموکراتیک و وفاداری به آرمان‌های جامعه سوئدی، اشاره کرد.

محدودسازی دامنه اجتماعات مذهبی دریافت‌کننده خدمات اجتماعی؛ امروزه پنج سازمان حمایتی وجود دارد که در سطح ملی در سوئد فعالیت می‌کنند و ادعا می‌شود که تقریباً به ۷۵٪ از کل مسلمان‌ها سوئد خدمات ارائه می‌دهند. با این حال، اثبات این برآورد با واقعیت‌ها دشوار است و محاسبه بر اساس اظهارات این پنج سازمان است. اما به هر حال، دامنه اجتماعات اسلامی که می‌توانند از خدمات اجتماعی دولتی استفاده کنند، محدود شده است.

کنترل ساخت مساجد؛ علاوه بر این، در این دوره، سوئد، شاهد شکل‌گیری نیروهای ضداسلامی در جامعه بوده است. چند نیروی تأثیرگذار که وجه مشترک رفتارهای آن‌ها را می‌توان در سیاسی‌بودن قلمداد کرد، در این دوره وجود دارد، نخست نیروی راست افراطی، که شامل احزاب و گروه‌های اجتماعی می‌شوند که رونق اسلام‌گرایی را بر خلاف هدف و رسالت جامعه سوئدی و ملت سوئد و به بیان بهتر «خانه مردم» قلمداد می‌کنند و معتقد به پاک‌سازی و پالایش میهنی کهن با تمدنی دیرین از مذهبی هستند که هیچ نسبتی به اشتراکات، آرمان‌ها و اهداف آن ندارد. دوم، نیروی احزاب مسیحی پروتستان که قائل به این هستند که ساخت و بافت مسیحی سوئد، نباید با ورود نیروهای مذهبی جدید تغییر کند. سوم، طرفداران دولت رفاه که معتقدند افزایش حضور افراد در جامعه رفاه، مانع از تحقق اهداف رفاه‌گرایی مدل سوئدی می‌شود.

۴-۴-۱- علل امنیتی‌سازی اسلام در سوئد

در خصوص علل امنیتی‌سازی اسلام در سوئد، برخی از عناصر از تأثیر پر اهمیت برخوردار بوده‌اند، از جمله می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد: جهش جمعیتی مسلمان‌ها در سوئد، چسبندگی‌های ایدئولوژیک، افزایش محبوبیت گرایش‌های پوپولیستی و امواج راست‌گرایی، قطبش در جامعه سوئدی، تغییرات در «اسلام» و تأثیر بر جامعه سوئدی، تأثیرات فضای بین‌المللی (چه تأثیرات دولت‌های و چه تأثیرات گروه‌های اسلامی)، تضادهای آشکار و چشم‌اندازهای ناشناخته، افزایش گرایش‌های ضداسلامی در فضای اجتماعی و تبلیغات رسانه‌ای. در این پژوهش تلاش می‌شود به مهم‌ترین عناصر امنیتی‌سازی اسلام در جامعه سوئدی اشاره شود.

۴-۴-۱- جهش و انفجار جمعیتی مسلمان‌ها در سوئد

از آغاز سال ۲۰۱۴، پس از یک‌سری رویدادهای انقلابی به نام «بهار عربی»، کشورهای نوردیک تحت کنترل امواج ضعیف مهاجرت اسلامی (که حتی پیش از این نیز در مقیاسی معتدل تر رخ داد) از سرزمین‌های شمال و شرق آفریقا و همچنین کشورهای آسیای جنوبی، آسیای جنوب غربی و

آسیای مرکزی قرار گرفتند. کشورهای نوردیک، علی‌رغم دورافتادگی جغرافیایی خود، نمی‌توانستند پیامدهای درگیری‌های داخلی در مناطق فوق‌الاشاره را از خود دور کنند؛ مناطقی که از سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ ماهیت ترسناک جنگ‌های بین‌مذهبی را به خود اختصاص دادند. طبق آمار رسمی سوئد، تنها در سال ۲۰۱۶، ۱۶۲۸۷۷ مجوز اقامت در خاک سوئد به صورت رسمی ثبت و صادر شده است که ۴ مورد از ۵ مورد آن در مناطق فوق‌الاشاره با جمعیت غالب مسلمان‌ها بوده است. در مقایسه با دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۱، دو برابر و به‌طور غیر رسمی ۴ برابر افزایش یافته است و در حال حاضر کمتر از ۱۷٪ از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. داده‌های موجود آماری این امکان را فراهم می‌کند که به این نتیجه برسیم که بخش مسلمان جمعیت اروپا در حال تبدیل شدن به دومین جامعه بزرگ پس از مسیحیت (اعم از کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس) است و اسلام به ترتیب دومین دین قدرتمندی می‌شود که بیشترین میزان معتقدان هم در سوئد و هم در سرتاسر منطقه شمال را تجربه می‌کند. با این تعداد اندک از مسلمان‌ها که در حال حاضر در اروپا زندگی می‌کنند - قاره اروپا منزل تنها ۲٫۷٪ از کل مسلمان‌ها جهان است - طبق برآوردهای کاملاً زیاد و ملی معادل ۴۴ میلیون نفر است و این تنها ۶٪ از کل جمعیت اروپا را تشکیل می‌دهد و این تنها ۶٪ از کل جمعیت اروپا را تشکیل می‌دهد.

سال به سال رشد جمعیت مسلمان در اروپا رکورد می‌زند، اگر به این موضوع در سطح جهانی نگرسته شود، با وجود جنگ‌هایی که جهان اسلام را در هم می‌پاشد - افزایش جمعیت مسلمان‌ها در جهان یک روند جهانی است. در این میان، همین جنگ‌ها باعث می‌شود که جمعیت مسلمان‌ها در سرتاسر جهان پراکنده شوند و از مرزهای طبیعی، فرهنگی، تاریخی و معنایی جهان اسلام خارج شوند. در حال حاضر، ۳۸ تا ۴۱٪ از جمعیت مسلمان جهان در دولت‌هایی زندگی می‌کنند که اسلام دین غالب نیست، یعنی خارج از دنیای سنتی اسلام، در واقع مرزهای آن را گسترش می‌دهد.

افزایش جمعیت سبب دگرگونی در روندها و فضاها، اجتماع، فرهنگی و سیاسی کشورهای نوردیک شده است. در این جا به صورت مستقیم به یک مثال مشخص و بسیار گویا از سوئد می‌پردازیم. طبق آمار رسمی سوئد، تنها در سال ۲۰۱۶، ۱۶۲ هزار و ۸۷۷ مهاجر را به‌طور رسمی در خاک خود ثبت کرده و پذیرفته است که ۴ نفر از هر ۵ نفر آن‌ها از کشورهای جهان اسلام هستند. از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۴، جمعیت مسلمان‌ها سوئد تنها ۲٪ افزایش یافت و تا سال ۲۰۱۵ دست کم ۷٫۵٪ از کل جمعیت کشور بود، اما در اوایل سال ۲۰۱۷، تنها بر اساس محافظه‌کارانه‌ترین تخمین‌ها، جمعیت مسلمان سوئد به ۱۴ تا ۱۶٪ رسیده است، یعنی از ۱٫۴ به ۱٫۷ میلیون نفر، یعنی از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۱۷ در سوئد دو برابر شده است. داده‌های موجود این امکان را فراهم می‌کند که نتیجه‌گیری شود که جمعیت مسلمان‌ها بعد از مسیحیان (کاتولیک، پروتستان یا ارتدوکس) دومین جمعیت بزرگ اروپا و به ترتیب رشد، سریع‌ترین گروه مذهبی در کل قاره اروپا و اسلام دومین جمعیت در اروپا است.

۴-۲- جمعیت نامتوازن و ناهمگون مسلمان‌های سوئد

سوای از انفجار جمعیتی، یکی دیگر از دلایل امنیتی‌سازی اسلام در سوئد، این است که اسلام در سوئد برخلاف اسلام در فرانسه، فنلاند و برخی دیگر از کشورهای اروپایی، رشد ارگانیکی را تجربه نکرده است، بلکه رشد نامتوازن و ناهمگون را تجربه کرده است. شمار مسلمان‌ها در سوئد فقط کمی کمتر از تعداد آن‌ها در فرانسه، یعنی پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان اتحادیه اروپا است. با این حال در خصوص مسلمان‌ها فرانسه ذکر دو نکته ضروری است؛ نخست مسلمان‌ها در فنلاند و فرانسه در اولی در طی بیش از یک‌صد سال و در دومی نزدیک به هفتاد سال (بعد از جنگ‌های الجزایر) و به تدریج وارد کشور شدند و به تدریج گسترش یافتند و دوم اینکه مسلمان‌ها فنلاند از روسیه (تاتارها) و مسلمان‌ها فرانسه از الجزایر از یک پایه مشترک و مشابه برخوردار بودند. در سوئد اما هیچ یک از این وضعیت‌ها وجود نداشته است؛ نخست اینکه جمعیت مسلمان‌ها سوئد تنها بعد از نیازهای کارگری به وجود آمده است و دوم، مسلمان‌ها سوئدی با انفجارهایی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در تک تک کشورهای اسلامی به وجود آمده است روانه این کشور شده‌اند و تنوعی از ملیت‌ها و نژادها را در بر می‌گیرند؛ تنها در دو دهه اخیر، تقریباً به همین اندازه مسلمان‌های که در فرانسه ساکن هستند، پذیرفته شده است، از صحرای غربی گرفته تا میندانائو، از منطقه ولگا گرفته تا سریلانکا، از مصر گرفته تا ایران، از ترکیه گرفته تا چین. سوم اینکه کمتر از نیمی از کل جمعیت مسلمانی که در حال حاضر در سوئد زندگی می‌کنند در سال‌های بین ۲۰۱۵-۲۰۱۸ به این کشور آمده‌اند.

۴-۳- چسبندگی‌های ایدئولوژیک

تحلیل مکرر تحولات اجتماعی-سیاسی کنش‌ها و بسترها، روابط متقابل بین ساختارهای اجتماعی، زمینه‌های سیاسی و قرار گرفتن در معرض ریشه‌ها (زندگی، محل تولد، خاستگاه فکری و ...) که خشونت به آن نهفته شده است، عامل شکل‌گیری زمینه‌های چسبندگی‌های ایدئولوژیک مسلمان‌ها در سوئد شده است. مباحثی که تحت عنوان چسبندگی ایدئولوژیک از آن یاد می‌شود، در حقیقت رابطه‌ای غیرقابل فسخ با افراطی‌گرایی ایدئولوژیک در جامعه سوئد داشته است. کل ایده و کل موضوع افراط‌گرایی و ریشه‌های آن در این مفهوم نهفته است که انسان ایدئولوژیک، احساس انزوا می‌کند و قادر به درک یا انجام ادغام اجتماعی نیست، این بدان معنا است که استراتژی‌های ادغام اجتماعی سوئدی نتوانسته‌اند به اندازه کافی، انسان ایدئولوژیک را از چسبندگی‌های ایدئولوژیک خود دور ساخته و در ترکیب اجتماعی شدن قرار دهد؛ در حقیقت نظام اجتماعی در چنین وضعیتی حاضر به عدول از خطوط حساس و قرمز انسجام ملی و هویتی نبوده و وضعیتی به وجود می‌آید که در آن الگوهای شیشه‌ای (شکنندگی اجتماعی)، جایگزین الگوهای اسفنجی ادغام (هضم اجتماعی) می‌شوند. این موضوع در یک فرآیند تاریخی سبب انزوا بیشتر و افراط‌گرایی بیشتر انسان ایدئولوژیک نسبت به جامعه‌ای شده است که تاب‌آوری آن کمتر و کمتر

می‌شود. مسلمان‌ها در سوئد، خصوصاً جوانان به صورت مثبت یا منفی تحت تأثیر احساس هویت مذهبی اسلامی قرار می‌گیرند. در سال ۲۰۰۴، «انجمن تاریخ زنده» و «شورای ملی پیشگیری از جرم» سوئد، گزارشی مشترک با عنوان «عدم مدارا؛ گرایش‌های ضدیهودی، همجنس‌گرا، اسلام‌هراسی و بیگانه‌هراسی در میان جوانان» منتشر کرد. این گزارش بر اساس بررسی نگرش‌ها، آسیب‌پذیری-های درک‌شده و رفتار جوانان سوئدی با زمینه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی است؛ یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که درصد جوانان مسلمان که خودشان را در جامعه سوئدی «آسیب‌پذیر» می‌بینند، بیشتر از هر گروه دیگری است. ۲۱٪ ادعا کرده‌اند که در معرض نوعی رفتار تبعیض‌آمیز و/یا سوء استفاده قرار گرفته‌اند، در مقایسه با ۱۶٪ از افرادی که با گروه‌های اقلیت دیگر (شبهه به بودایی‌ها، یهودیان و هندوها) همذات‌پنداری کرده‌اند و تنها ۶٪ از آن‌ها مدعی بودند (Intolerance - Anti-Semitic, homophobic, Islamophobic and xenophobic tendencies among young, 2004: 78).

نظرسنجی مشابهی که دو سال بعد توسط «یوناس اوتربک» و «پیتر بیولندر» انجام شد، تلاش کرد تا نگرش دانشجویان غیرمسلمان را نسبت به مسلمان‌ها و همچنین احساس آسیب‌پذیری دانشجویان جوان مسلمان به دلیل وابستگی آن‌ها به اسلام را ارزیابی کند. در این‌جا نتایج نشان داد که تقریباً ۲۵٪ از مسلمان‌ها مورد بررسی در معرض نوعی رفتار توهین‌آمیز قرار گرفته‌اند و تقریباً از هر شش نفر یک نفر به‌خصوص به دلیل مسلمان بودن مورد تحریک و/یا قلدری قرار گرفته است (Otterbeck and Bevelander, 2006). در همین راستا، به‌طور گسترده ثابت شده است که محل کار یکی از محل‌های اولیه تبعیض مذهبی است، به‌ویژه برای مسلمان‌ها که به راحتی می‌توان آن‌ها را با نام، ویژگی‌های ظاهری و نحوه پوشش شناسایی کرد (Berglund, 2012: 10).

۴-۴-۴- تغییرات در «اسلام» و تأثیر بر جامعه سوئدی

هنگامی که در خصوص مهاجرت به‌طور کلی صحبت می‌شود، در حقیقت موضوع باید در چارچوب منازعه‌ای در کلیت به اصطلاح «جهان اسلام» و دگرگونی‌های (انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنگ‌ها، نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، محرومیت‌های شهروندی، سرخوردگی‌های سیاسی و تعقیب‌های قضایی) که به‌صورت سریع در جوامع داخلی اسلام صورت می‌گیرد، بررسی شود. با این حال، بحث در این‌جا تغییراتی است که سبب ایجاد استراتژی‌های رفتار فردی و جمعی در گروه‌های اسلامی شده است. چنین تغییراتی سبب شکل‌گیری ساختار شکنی و تغییر شکل به اصطلاح «جهان اسلام» در پارادایم‌های این گروه‌ها شده است، ساختار شکنی‌هایی که درک نسبت به جامعه سوئدی را دستخوش تغییراتی کرده است، تغییراتی که متناسب با واقعیت‌هایی بوده است که این واقعیت‌ها هم منبعث از ترتیبات جهانی و هم منبعث از تغییرات جامعه سوئدی بوده است. در سوئد نیز همچون سایر جوامع اروپای شمالی، «اجتماعات موازی» از مسلمان‌ها محلی از پیش‌تر

وجود داشته است، و همین اجتماعات موازی، به منظور حفظ پویایی خود در برابر سایر اجتماعات اسلامی، «اسلام‌گرایی» را به وجود آورده‌اند و فاز اسلام‌گرایی خود را عملی‌تر دنبال کرده‌اند. یک روی سکه عملیاتی‌تر شدن اسلام‌گرایی به معنی ناساز شدن بیشتر بوده است. «طرح مقابله با افراط-گرایی سوئد منعکس‌کننده درک کنونی از عوامل اجتماعی است که می‌تواند منجر به افراط‌گرایی شود؛ از جمله تبعیض، جداسازی، فقدان انسجام اجتماعی و احساس به حاشیه رانده شدن یا طرد شدن» (Angus, 2016: 15).

«سوئدی‌های قومی [نژادی]» مایلند تا یکی از دو نگرش را نسبت به جامعه مسلمان اعلام کنند. از یک سو، حکومت و مقامات عموماً به صورت مثبتی پاسخ داده‌اند، بدین معنا که پناهندگان مسلمان «تحت مراقبت» بوده‌اند. مسکن و نیازهای روزانه از طریق سیستم تأمین اجتماعی تأمین می‌شود و آموزش به زبان سوئدی به صورت رایگان ارائه می‌شود. از سوی دیگر، این ایده که مقامات از مهاجران «مراقبت» می‌کنند، بدون این که هیچ درخواستی از آن‌ها داشته باشند، برای بسیاری از «سوئدی‌های قومی» بسیار ناامیدکننده است. ستون‌های نامه‌ها به سردبیر در روزنامه‌های مختلف سوئدی اغلب حاوی نظراتی درباره خارجی‌ها به طور کلی و مسلمان‌ها به طور خاص است که «زندگی خوبی در پشت سوئدی‌های سخت‌کوش» دارند. موضوع جالب این که این سوئدی‌های بازنشسته هستند که اغلب ناراحت هستند، احتمالاً به این دلیل که آن‌ها احساس می‌کنند از مزایای «برنامه رفاه سوئد» محروم شده‌اند، برنامه رفاهی که در سال‌های اخیر رو به کاهش بوده است (Yazbeck, 2002: 103).

۴-۴-۵- جهش در گرایش‌های ضداسلامی سوئد

بخش قابل توجهی از امنیتی‌سازی اسلام در سوئد، به نقش و نفوذ گرایش‌های ضد اسلامی در این کشور بر می‌گردد. در واقع آنچه اتفاق افتاده است، «جهش» در دامنه و عمق نفوذ و نقش این گروه‌ها بوده است. گرایش‌های ضداسلامی سوئد را می‌توان به دو بخش نیروهای ضداسلامی و تفکرات ضداسلامی تقسیم‌بندی کرد.

راست‌گرایی افراطی؛ سیاست در اروپا در حال حاضر روز به روز شاهد ظهور فزاینده احزاب سیاسی است که به عنوان راست افراطی، یا راست رادیکال در نظر گرفته می‌شوند. مسائل اجتماعی و اقتصادی همراه با افزایش نارضایتی‌های اجتماعی منجر به افزایش محبوبیت جنبش‌های راست افراطی شده است. اخیراً ظهور راست افراطی در اروپا در زمینه‌های مختلف آشکار شده است که چالش‌های اساسی برای حفظ صلح و ثبات در اروپا ایجاد می‌کند (Rahimli and Jalali, 2021: 267). در بررسی جامعه‌شناسی راست‌گرایی افراطی، مسئله رشد مهاجرت کنترل‌نشده همواره به عنوان یک پاسخ به سوال چرایی افراطی‌گرایی و رشد خشونت افراطی یا الگوهای مولد خشونت

¹. Ethnic Swedes

². taken care of (omhändertagna)

یاد می‌شود و این موضوع به‌عنوان یک پاسخ به افزایش محبوبیت احزاب و گرایش راست‌گرایی و افراطی‌گری در جامعه سوئد است. نمود رفتارهای خشن راست‌گرایان افراطی را می‌توان در اقدامات شهروند سوئدی-دانمارکی، راسموس پالودان دنبال کرد. اقداماتی شبیه به سوزاندن قرآن کریم در شهرهای متعدد سوئد، انتشار کاریکاتورهای موهن نسبت به پیامبر اسلام و دیگر اقدامات افراط‌گرایانه از جمله مصادیق راست‌گرایی افراطی بوده است.

راسموس پالودان و قرآن‌سوزی؛ راسموس پالودان یکی از سرشناس‌ترین اسلام‌ستیزان در منطقه اسکاندیناوی است. وی که اصالتی دانمارکی دارد. اقدام به قرآن‌سوزی در سوئد از اگوست سال ۲۰۲۰ در شهر مالمو برنامه‌ریزی شد که با خشونت‌های پی‌درپی شهروندان در شهرهای مختلف از همراه شد و بعد از آن بود که به‌مدت دو سال از ورود به سوئد منع شد. با این حال، از سال ۲۰۲۰ به‌دلیل تابعیت پدرش، شهروندی سوئد را اخذ کرد. یکی از پرسروصداترین اقدامات پالودان دریافت مجوز از پلیس سوئد به‌منظور قرآن‌سوزی در مقابل سفارت ترکیه در استکهلم بود که آتش بسیاری از اختلافات را در سوئد هم در بین نیروهای ضد اسلامی و هم در بین اسلام‌گراها روشن کرد (Euronews, 2023). به‌نظر می‌رسد همان‌طور که پالودان ادعا کرده است، این اقدام جنجال-برانگیز، صرفاً «ایده او نبوده است» و با چانگ فریک، مجری کانال ریکس، از حزب دموکرات سوئد و سردبیر روزنامه نیهتر ایدای نزدیک به حزب دموکرات‌های سوئد و همچنین خبرنگاری از وب‌سایت راست افراطی اگزکت ۲۴ در ارتباط بوده است. راسموس پالودان در مصاحبه با روزنامه دیجنس نیهتر^۴ ارگان حزب سوسیال‌دموکرات گفت که «این ایده آن‌ها بود که قرآن را بیرون سفارت ترکیه بسوزانند» (Dagens Nyheter, 2023). یکی از خبرنگاران روزنامه راست افراطی اگزکت ۲۴ نیز به دیجنس نیهتر گفت که «در این ماجرا واقعا نقش داشته است»، و ادامه داد «از پالودان پرسیدم که آیا می‌خواهد علیه ترکیه تظاهرات کند یا خیر، او گفت: بله». با این حال معاون حزب دموکرات سوئد «فردریک ساندری» هرگونه ارتباط با آتش زدن قرآن به‌وسیله این حزب را رد کرده است. در عین حال جیمی آکسون رهبر حزب دموکرات‌های سوئد که از مخالفان سرسخت اسلام در سوئد است، خطاب به دولت ائتلافی سوئد به رهبری اولف کریسترشن از این سیاست‌های این دولت به دلیل عدم دفاع از آزادی سوزاندن قرآن به بهانه آزادی بیان حمله کرده بود (Dagens Nyheter, 2023).

حزب دموکرات‌های سوئدی؛ به‌طور خاص حزب پوپولیست جناح راستی سوئدی اسوریج

¹. Riks

². Nyheter Idag

³. Exact 24

⁴. Dagens Nyheter

دموکرات‌ترنا^۱ یا حزب دموکرات‌های سوئد همواره نگاهی منفی نسبت به مسلمان‌های سوئد داشته است (Dau, 2004: 191). مسلمان‌های سوئد، به وسیله دموکرات‌های سوئدی مورد حمله قرار گرفته‌اند و بر اساس نامه سرگشاده منتشر شده افتون بلادت (۱۹ اکتبر سال ۲۰۰۹)، رهبر این حزب، جیمی آکسون بیان داشته است که «اسلام و مسلمان‌ها بزرگ‌ترین تهدید برای جامعه محسوب می‌شوند» (Larson, 2010).

مطالعات متعددی نشان می‌دهند که بسیاری از سوئدی‌ها نگرش‌های منفی و پیش‌داوری‌هایی پیرامون اسلام و مسلمان‌ها و رهبران اسلامی دارند و مصادیقی از اسلام‌وفوبیا گزارش می‌شود. از سال ۲۰۰۶، شورای ملی سوئدی جلوگیری از جرم (BRA) اسلام‌وفوبیا را به عنوان طیفی خاص در گزارش مربوط به تفرج‌جانیی گنجانده است. برای سال ۲۰۰۸، ۲۷۲ نمونه (۴۵٪ از تقریباً جرم نفرت ضد مذهبی گزارش شده) در این گروه بندی قرار می‌گرفتند (Larson, 2010). حزب دموکرات‌های سوئد در انتخابات سال ۲۰۲۲ توانست با کسب کرسی‌های پارلمان و شکل دادن به ائتلافی با همراهی چهار حزب دست راستی لیبرال‌ها، محافظه‌کارها و دموکرات‌های مسیحی، تحت توافق‌نامه‌ای به نام موافقتنامه تیدو^۲ به حکومت راه یابد. اگرچه بر اساس تفاهم تیدو این حزب نتوانست پست نخست‌وزیری را به دست آورد، با این حال نقش بسیاری در جهت‌دهی به سیاست داخلی و خصوصاً سیاست‌های مهاجرتی سوئد بازی کرده است. علاوه بر این این حزب نقش مهمی در اعمال محدودیت‌های ضداسلامی نسبت به مسلمانان داشته است. رهبر این حزب جیمی آکسون بعد از انعقاد توافقنامه تیدو صراحتاً عنوان کرد که «برای ما «سیاست موضوع» [و نه سیاست قدرت] چیز مهمی بود و ما در این موافقتنامه دستاوردهای سیاسی اساسی بزرگی به دست آوردیم و از آن راضی هستیم»، این همان چیزی است که آکسون با خوشحالی در مورد آن عنوان کرد که «ما در ۱۲ سالی که در پارلمان گذراندیم و در طول ۱۷ سال رهبری حزب برای آن کار کردیم» (The Local, 2022). آکسون همواره به اتخاذ سیاست‌های تندروانه نسبت به اسلام و مسلمانان معروف بوده است. اتخاذ مواضع ضد ترکیه در سال ۲۰۲۳ نمونه‌ای از این مخالفت‌ها بوده است (The Local, 2023).

رسانه‌های سوئدی؛ تحلیل محتوای رسانه‌های سوئدی در خصوص تصویر مسلمان‌ها نشان دهنده دو مسیر مجزا بوده است. مقاله «تصاویر مسلمان‌ها و اسلام در گفتمان رسانه‌ای سوئدی مسیحی و سکولار» یک تحلیل محتوای کمی مقایسه‌ای توصیفی از ساختار اسلام و مسلمان‌های سوئد در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷ در چهار نشریه سوئدی زبان را انجام می‌دهد - روزنامه لیبرال «دیجنس نیهتر» به نمایندگی از جریان اصلی رسانه‌ای [سوئد]، روزنامه مسیحی «دیجن»، روزنامه

^۱. Sverigedemokraterna

^۲. عنوانی که به توافق احزاب راست و راست افراطی در خصوص شکل و سیاست دولت جدید سوئد در سال ۲۰۲۲ به بعد اطلاق شده است.

بنیادگرای «وارلدن ایدای» به نمایندگی از راست مسیحی و نشریه «اس‌دی کوریرن»، ارگان رسمی حزب نئوناسیونالیست دموکرات‌های سوئد. مشاهده می‌شود بین رسانه‌هایی که حضور مسلمان‌ها و اسلام در سوئد را می‌پذیرند یا نه، شکاف بسیاری در آن زمان وجود دارد. نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده اشتراک دیدگاه‌های روزنامه «دیجنس نهیتر» و روزنامه «دیجن» و در سویی دیگر روزنامه بنیادگرای «وارلدن ایدای» و «اس‌دی کوریرن» است. «والدن ایدای» و «اس‌دی کوریرن» تمایل دارند مسلمان‌ها و اسلام را تهدید آمیز و نخبگان «ما» را در حالت عقب‌نشینی توصیف کنند. در این دو رسانه، مسلمان‌ها همواره به‌عنوان مهاجم و عامل مشکلات اجتماعی و سیاسی معرفی می‌شوند. در نهایت، در هر دو رسانه مسلمان‌ها با رفتار منفی مرتبط هستند. رفتار خوب مسلمان‌ها به‌طور مداوم نادیده گرفته می‌شود، در حالی که رفتار بد فرض می‌شود که منعکس‌کننده شخصیت واقعی آن‌ها است. «وارلدن ایدای» همچنین مدعی است که «اسلام با دموکراسی ناسازگار» است. در حالی که «دایجنس نهیتر» لیبرال و «دیجن» انجیلی از توصیف مسلمان‌ها و اسلام به‌عنوان یک تهدید اجتناب می‌کنند و اغلب به‌دنبال راه‌های سازنده برای مشکلات مختلف هستند. «دایجنس نهیتر» علاوه بر این، درگیری‌های بین بازیگران مسلمان و مسیحی را در قالب‌های سیاسی و نه مذهبی توصیف می‌کند. «دیجن» همچنین مسلمان‌ها و مسیحیان را قربانی نیروهای سکولاریزاسیون می‌داند (Steiner, 2015: 20-45).

با بررسی و تحلیل روزنامه‌های سوئد، دو جریان حامی دولت مستقر (دولت حزب سوسیال-دموکرات) و جریان رقیب دولت مستقر (به نمایندگی دموکرات‌های سوئد)، نسبت به مهاجران به‌طور کلی و مسلمان‌ها به‌طور خاص، دو روایت و سیاست‌گذاری متفاوت را دنبال می‌کنند. جریان رسانه‌ای حامی سوسیال‌دموکرات‌ها، به مسلمان‌ها با نگاه سیاست‌گذاری و در راستای ادغام اجتماعی و اجتناب از امنیتی‌سازی و جای دادن آن‌ها در فاز اجتماعی و سیاسی اصرار دارد، و در مقابل جریان رقیب دولت مستقر از جمله نئوناسیونالیست‌ها به نمایندگی حزب دموکرات سوئدی، اسلام و مسلمان‌ها را در در چارچوب انزوای اجتماعی، برجسب‌گذاری‌ها و به‌طور دقیق پروژه امنیتی‌سازی تعریف می‌کند. با این حال به سبب افزایش اقدامات و رسانه‌ای شدن تفکرات جریان رادیکال، نگاه دولت نیز نسبت به مسلمان‌ها در مسیری از تغییرات قرار داشته است و سر مجموع به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذاری دولت‌های ملی متأثر از افراط‌گرایی سیاسی اروپایی، نسبت به مهاجرین و مسلمان‌ها در حال تبدیل از «رفاه‌گرایی»^۱ به «احتیاط‌گرایی»^۲ است (Kaya, 2009).

۴-۶- مسلمان‌های نامرئی؛ تضادهای آشکار و چشم‌انداز ناشناخته

موضوعی دیگر که زمینه‌های امنیتی‌سازی اسلام در سوئد را ایجاد کرده است، مسلمان‌ها

1. Welfarism

2. Prudentialism

نامرئی^۱ هستند. بخش رسمی سازمان یافته و نهادینه شده اسلام یکی از ابعاد تقریباً مهم آن است و آن بخشی که به وضوح برای جمعیت اکثریت غیرمسلمان جوامع غربی قابل مشاهده است. (Roald, 2009: 45-46). بنابراین دست کم درصدی (که دقیقاً مشخص نیست؛ اما طبق تحقیق RSR نزدیک به ۱۰٪) از جوانان مسلمان، احساس سازگاری و راحتی با سازمان‌های ملی اسلامی که توسط دولت سوئد به رسمیت شناخته شده‌اند یا ثبت شده‌اند، ندارند. این موضوع به معنای این نیست که این مسلمان‌های نامرئی به صورت بالقوه توانایی تبدیل شدن به یک موضوع امنیتی را دارند، چه این که بخش قابل توجهی از آن‌ها اساساً نسبت به اسلام بنیادینی که توسط والدین آن‌ها تعلیم و ترویج شده است، فاصله معناداری دارند و نمود آن را می‌توان در تاسیس نهادهایی شبیه به *ابن رشد* و چندین نهاد مذهبی مسلمان دیگر دید که روایت آن‌ها مطابقتی با روایت نسل اول مسلمان‌ها که موسسین نهادهای رسمی مورد حمایت دولت سوئد هستند، ندارد. با این حال، به این دلیل که اطلاعات دقیقی نسبت به رابطه آن‌ها با اسلام وجود ندارد، می‌تواند به قدری افراطی باشند که زمینه یک موضوع امنیتی را ایجاد کنند یا حتی مسلمان‌هایی کاملاً سکولار باشند. بنابراین موضوع مهم، زمانی رخ می‌دهد که از نتایج نظرسنجی‌ها (خصوصاً نظرسنجی RSR) چنین تحلیلی استنباط شده است که جوانان مسلمان سوئدی نیز همچون جوانان مسیحی سوئدی، برای شاعر مذهبی کمتر به اماکن اسلامی (مثل مسجد) مراجعه می‌کنند. این در حالی است که دلیل آن را باید در عدم مقبولیت سازمان‌های مذهبی اسلامی سوئد نزد جوانان جست‌وجو کرد. طبیعتاً با ناشناخته بودن، این افراد در فاز غیر اجتماعی و سیاسی (احتمالاً امنیتی) قرار دارند.

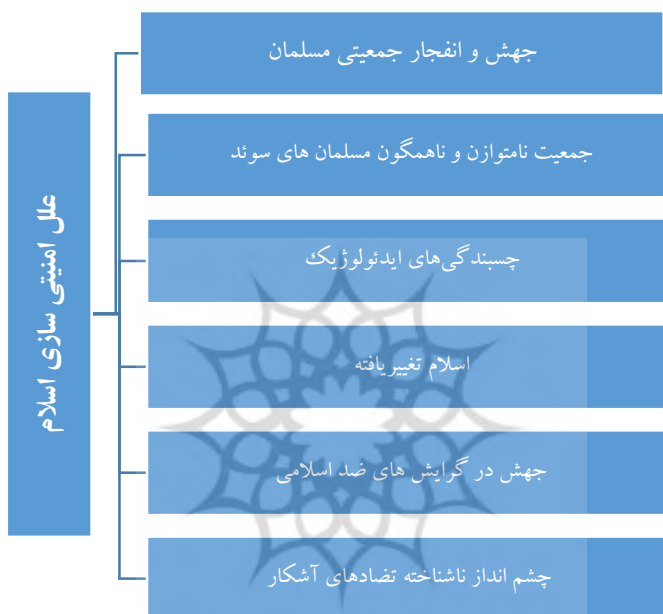
نتیجه‌گیری

روند پژوهی رفتار با مسلمان‌ها در سوئد، نشان‌دهنده سیر و گذار در یک مسیر است؛ مسیری که از موضوعی عادی و روزمره شروع شده (با ورود کارگران مسلمان به سوئد از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)، تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی شده (از دهه ۱۹۹۰ تا دهه ۲۰۰۰ میلادی)، سپس به مسئله‌ای سیاسی گذار یافته (از ابتدای دهه ۲۰۰۰) و در نهایت در وضعیتی امنیتی (از دهه ۲۰۱۰ به بعد) قرار گرفته است. بررسی و تحقیق پیرامون ریشه‌ها و علل این تغییر، نشان‌دهنده برجسته بودن چند عنصر است: اول، افزایش جمعیت مسلمانان؛ دوم، ضرورت توسل به ابزارهای کنترل اجتماعی توسط نظام سیاسی؛ سوم، حکم‌شدگی برخی از عناصر تولید خشونت در گروه‌های اسلامی و عدم ادغام اجتماعی در جامعه سوئدی؛ چهارم، تغییرات اساسی در منابع اصلی ایدئولوژیک گروه‌های اسلامی؛ پنجم، بین‌المللی شدن اسلام‌گرایی و غیرملی‌سازی آن.

متناسب با این مسیر تغییر یافته، رفتار اجتماعی و عمومی سوئدی‌ها (اعم از افراط‌گرا یا

¹ Invisible Muslim

غیرافراط‌گرا) با مسلمان‌ها دستخوش تغییراتی بوده است و در نتیجه استراتژی‌های دولت سوئد در مواجهه با مسلمان‌ها نیز تغییراتی را تجربه کرده است. تغییر استراتژی‌ها (خصوصاً استراتژی‌هایی که در راستای امنیتی‌سازی مسلمان‌ها و اسلام بوده است) خود، وضعیت «مسلمان‌بودگی» را تشدید کرده است. در واقع چنین وضعیتی که محصول یک فرآیند تاریخی بوده است، از یک سو سبب انزوای بیشتر، افراط‌گرایی بیشتر و تشدید مسلمان‌بودگی می‌شود و از دیگر سو، تاب‌آوری کمتر جامعه و امنیتی‌سازی مضائف را به دنبال خواهد داشت.



شکل ۱: علل امنیتی‌سازی اسلام در سوئد (نگارنده، ۱۴۰۱)

Figure 1: Causes of the securitization of Islam in Sweden (Author, 1401)

References

1. Angus, Chris (2016) "Radicalisation and Violent Extremism: Causes and Responses" NSW Parliamentary Research, February 2016.
2. Ayhan Kaya (2009) Islam, Migration and Integration: The Age of Securitization, London: Palgrave Macmillan.
3. Berglund, Jenny (2021), "Islamic Religious Education and Education About Islam in Sweden 1", in Islamic Religious Education in Europe, London: Routledge.

4. Berglund, Jenny. (2012), "Islamic identity and its role in the lives of young Swedish Muslims", *Contemporary Islam*. 7. 10.1007/s11562-012-0191-1.
5. Buzan, Bari, Ollie Weaver and Pope de Wilde (2012), *A New Framework for Security Analysis*, translated by Alireza Tayeb, Tehran: Research Center for Strategic Studies (In Persian).
6. Cesari, Jocelyne (2013) *Securitization of Islam and Religious Freedom*, available in: <https://berkeleycenter.georgetown.edu/posts/securitization-of-islam-and-religious-freedom>
7. Cesari, Juocelyne (2014) *THE OXFORD HANDBOOK OF European Islam*, Oxford University Press.
8. Dagens Nyheter (2023), Paludan: "Deras idé att jag skulle bränna koranen" 2023-01-24 Available In: <https://www.dn.se/sverige/paludan-deras-ide-att-jag-skulle-branna-koranen/>
9. Danielsson, S. and L. Pettersson (2009), "Fel dölja ansiktet i öppet samhälle (It is wrong to cover the face in an open society)", SvD.
10. Daun, H. et al., "Educational strategies among some Muslim groups in Sweden", in H. Daun and G. Walford (eds), *Educational Strategies among Muslims in the Context of Globalization*, Leiden: Brill, 2004.
11. Euronews (2023) "'Quran burning' protest scuppers Turkey-Sweden NATO talks". 21 January 2023, in: <https://www.euronews.com/2023/01/21/quran-burning-protest-scuppers-turkey-sweden-nato-talks>
12. Halén, Harry & Tuomas Martikainen 2016. Finland. In: I. Svanberg & D. Westerlund (eds), *Muslim Tatar Minorities in the Baltic Sea Region (Muslim Minorities Series 20)*: 86–104. Leiden: Brill.
13. Hojbjerg: Univers.
14. Jacobsen, B. A. (2009). 'Denmark', in J. S. Nielsen et al. (eds.), *Yearbook of Muslims in Europe*. Vol. 1. Leiden: Brill, 97–109.
15. Jensen, T. G. and Ostergaard, K. (2007). *Nye Muslimer i Danmark: Moder og Omvendelser*.
16. Jonasson, Andreas Ali 2018. *Tala muslimska! Islams och det tatariska språkets roll i skapandet av en finländsk tatarisk identitet*. MA thesis, Södertörn University.
17. Junefelt, M. Peterson, and L.-L. Wallenius (eds.), *Cultural Encounters in East Central*

- Europe.
18. K Yu Eidemiller et al, (2018) “Islamic diffusion of Nordic countries: Sweden” IOP Conf. Ser.: Earth Environ. Sci. 180 012005.
 19. Kolankiewicz, Marta (2020) Anti-Muslim Racism on Trial: Muslims, the Swedish Judiciary and the Possibility of Justice, Taylor & Francis Group.
 20. Larsson, Goran (2010) Sweden in Yearbook of Muslims in Europe. Vol 2. Brill NV, Leiden, The Netherlands.
 21. Lundborg, H. (1919). Svenska folktyper. Stockholm: H. W. Tullbergs forlag.
 22. Mavelli L. Between Normalisation and Exception: The Securitisation of Islam and the Construction of the Secular Subject. Millennium. 2013;41(2):159-181. doi:10.1177/0305829812463655
 23. Medborgarskap.pdf>
 24. Olsson, Susanne (2018) Contemporary Puritan Salafism: A Swedish Case Study, Equinox Pub. Limited, 2018.
 25. Otterbeck, J. (1998). ‘The Baltic Tatars: The First Muslim Group in Modern Sweden’, in K.
 26. Rahimli, S., & Jalali, R. (2021). Rise of the Extreme Right: Implications for the Political Future of France. International Studies Journal (ISJ), 18(3), 267-249. doi: 10.22034/isj.2022.270217.1360.
 27. Roald, A.-S. (2009). Muslimer i nya samhällen. Göteborg: Daidalos.
 28. Schmidt, G. and Jakobsen, V. (2000). 20 ar i Danmark: En undersogelse af nydanskernes situation og erfaringer. Report 00:11. Copenhagen: Danish National Centre for Social Research.
 29. Schmidt, G. and Jakobsen, V. (2004). Pardannelsesmonstre blandt etniske minoriteter. Copenhagen: Danish National Centre for Social Research.
 30. Shipoli, Erdoan ((2019), Islam, Security and American Foreign Policy, Tehran: Imam Hossein University Press.
 31. Shipoli, Erdoan A (2018), Islam, securitization, and US foreign policy, Palgrave McMillan.
 32. Sorgenfrei, Simon (2020) “Establishing Islam in Sweden: The First Tatar Community and Muslim Congregation and Their Sources” Studia Orientalia Electronica 8(2):82-95, DOI: 10.23993/store.83006.

33. Statistics Sweden (1937). Folkkrakningen den 31 december 1930. V. Trosbekannelse, frammande stam, frammande sprak. Stockholm: P. A. Norstedt & Soner.
34. Statistics Sweden (2010). Medborgarskap. <<http://www.scb.se/Statistik/BE/BE0101/2010A01L/>>
35. Steiner K. Images of Muslims and Islam in Swedish Christian and secular news discourse. *Media, War & Conflict*. 2015;8(1):20-45. doi:10.1177/1750635214531107
36. Stockholm: FRN, 145–53.
37. The Local (2022), ‘It’s incredible: We have effectively got through the Sweden Democrat migration policy’ 5 December 2022, Available in: <https://www.thelocal.se/20221205/its-incredible-we-have-effectively-got-through-the-sweden-democrat-migration-policy/>
38. The Local (2023), “‘Islamist dictator’: Swedish far-right leader rejects further concessions to Turkey” 19 January 2023, Available in: <https://www.thelocal.se/20230119/islamist-dictator-swedish-far-right-leader-rejects-further-concessions-to-turkey/>
39. Tomson, Daniel Lee (2020) “the rise of Sweden Democrats: Islam, populism and the end of Swedish Exceptionalism” available in: <https://www.brookings.edu/research/the-rise-of-sweden-democrats-and-the-end-of-swedish-exceptionalism/>
40. Weaver, O (2003) *Securitization: Taking stock of a research program in security studies*, Mimeo.
41. Westin, Charles, “Young People of Migrant Origin in Sweden,” *The International Migration Review* 37, no. 4 (2003) 978-1010.
42. Yazbeck Haddad, Yvonne (2002), *Muslims in the West: From Sojourners to Citizens*, Oxford University Press.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی